

بحران در ایران

از چهارده روز بدینسو، در همسایگی ما یعنی کشور ایران؛ رویدادها و حوادث به سرعت رشد و انکشاف می یابد.

در روزهای اخیر کتله های از معترضین بر خلاف ادعای های قبلی شان که گویا مطالبات اقتصادی بود، به طور بی سابقه و صریح خواستار تغییر نظام گردیده و بعضاً به خشونت مبادرت ورزیده اند.

از چهار روز بدینسو شهزاده رضا پهلوی با الهام از استشاره، حمایت و پشتیبانی کشور های بیرونی به خصوص ایالات متحده امریکا، فراخوان های پیهم که مسلماً از قبل و در تفاهم با حامیان جهانی اش برنامه ریزی و ترتیب شده است، ارایه می کند و مردم را به سازماندهی تجمعات وسیع و گسترده دعوت و ترغیب می دارد.

چنانچه اخیراً حضور احتمالی خودش را در آینده های نزدیک در کشور ایران و در کنار معترضین وعده داد که پیام معنی داری را در قبال دارد.

او در فراخوان اش که روز شنبه دهم ژانویه پخش گردید، مسوولین ترانسپورت و انتقالات و سایر تامین کننده های اقتصادی کشور ایران را دعوت به شرکت در اعتصابات و همکاری با مخالفین دولت کرد و از مسوولین نظامی خواست تا در کنار معترضین ایستاده، گویا با جلوگیری از قتل، کشتار... و استبداد، وظیفه و رسالت خود را در قبال وطن و مردم خویش انجام دهند.

در بُعد خارجی نیز دشواری های در برابر دولت ایران قرار دارد که همانا سفر بری های منظم و دوامدار ایالات متحده امریکا، انگلیس، اسرائیل... و برخی کشور های دیگر در حول و حوش ایران است که از ماه ها بدینسو ادامه دارد.

آن ها علاوه بر این همه، با استفاده از سرحدات نا امن برای ایران، در امر تحریک، تسلیح... و تشجیع نیرو های مخالف دولت ایران منجمله گرد ها، بلوچ ها، عرب های نا راضی... و سایرین وسیعاً کار و تلاش کرده اند.

در ضمن دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا، مارکو

روبیو وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا و تیم کاری اش به اثر تمرکز و تاکیدات دولت اسرائیل، خلاف نورم های پذیرفته شده بین المللی، پیوسته اعلام می دارند که در صورت سرکوب معترضین، دولت ایران با واکنش شدید از جانب ایالات متحده امریکا مواجه خواهد گردید.

درین جریان دولت اسرائیل نیز به طور بی سابقه تشجیع شده و دو روز قبل با صدور اولتیماتومی به مسوولین جمهوری اسلامی ایران ابلاغ کرد که "سه روز مهلت دارند تا کشور ایران را ترک بگویند، در غیر آن با عواقب ناگواری روبرو خواهد گردید".

حالا در یک طرف این همه ماجرا ها دولت ایدئولوژیک و کاملاً مسلح و نیرو های نظامی مذهبی و معتقد به مرجع تقلید ایران قرار دارد که ظاهراً نمی خواهند و یا نمی توانند در برابر این همه تحرکات تسلیم گردند. در جانب دیگر موجی از تحرکات گسترده خیابانی توأم با خشونت که مطمئناً از حمایت وسیع و گسترده کشور های بیرونی برخوردار است که راه های حل را برای جمهوری اسلامی ایران محدود و یا مسدود کرده و نگرانی ها را بیشتر می سازد.

مسلم این که از سازمان یابی و دوام این همه واقعیت ها و رویداد های عینی در کشور ایران، به طور واضح درک می گردد که در حقیقت جبهه غرب به زعامت ایالات متحده امریکا موفق گردیده تا میدان جنگ را در عمق جبهه شرق کشانیده و تلاش می ورزند تا کشور ایران که یکی از متحدین مصمم و فعال روسیه - چین می باشد را فلج کرده، وضعیت را به نفع خود بچرخاند.

در چنین شرایط حساس و هول انگیز، از قرائن احساس می گردد که ایالات متحده امریکا، اسرائیل ... و سایر همدست های شان ضمن تلاش های عیان نظامی- سیاسی، بیشتر به نقش و اثر گذاری اشخاص و افراد نفوذی خویش و ستون پنجم در داخل دولت ایران امید بسته اند که تحقق آن برای جمهوری اسلامی ایران و قدرت های منطقه به هیچ صورت پذیرفتنی نیست.

اینجاست که حساسیت بین المللی قضیه بیشتر از هر زمان دیگر برجسته شده، احتمال وقوع بزرگ ترین حوادث را رقم می زند.

درین گونه اوضاع و احوال اگر کشورها و قدرت های بزرگ، طی معاملات پنهانی خویش که فطرت و عادت همیشه گی شان در همچو قضایا است، تفاهم ننمایند و با استفاده از امکاناتی که چند و چون آن را بیشتر و بهتر از دیگران می فهمند؛ جلو انکشاف این ماجرای وحشت زا را نگیرند و یا معادله را به شکل ملایم و نرم تغییر ندهند، در آن صورت حد اقل، احتمال جنگ دوامدار و فرسایشی در ایران و کشور های همجوار آغاز و دنبال خواهد گردید که شاید برای ایالات متحده امریکا و کشور های غربی قیمت تمام شود، ولی به هیچ صورت به سود جبهه شرق و کشور های منطقه نیز نمی باشد.

در بُعد وسیعتر در صورت شمولیت و مشارکت قدرت های جهانی درین تقابل هولناک، امکانات به وقوع پیوستن بزرگ ترین، نا هنجار ترین ... و ویرانگر ترین حوادث و رویداد های جهانی وجود دارد که هزینه آن برای منطقه و حتی بشریت جبران نا پذیر خواهد بود.

با درود

سميع "عديل"